



از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویس.

چو نیکومنش باشی و بردبار نگردی به چشم خردمند، خوار

چو نیکومنش باشی و بردبار نگردی به چشم خردمند، خوار

چو نیکومنش باشی و بردبار نگردی به چشم خردمند، خوار

دو جمله بنویس که در آن‌ها دو کلمه‌ی «این» و «آن» آمده باشد.

به نظر من این موضوع برای روزنامه دیواری خوب است.

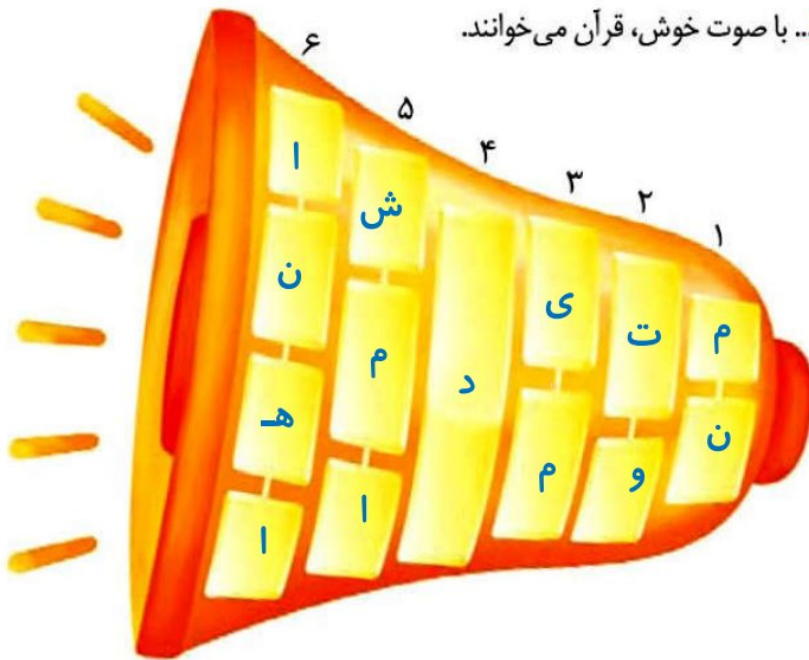
درس آن روز ما خیلی آسان بود.

جدول را کامل کن.

..... من... آلودگی صوتی ایجاد نمی‌کنم. تو..... صدای بلند را دوست نداری. ما در

کلاس ساکت هستیم. او آرام صحبت می‌کند. شما..... در حیاط بی سر و صدا بازی

می‌کنید. آنها... با صوت خوش، قرآن می‌خوانند.





الف) نوشته‌های زیر را بخوان و بگو کدام یک از آن‌ها، یک بند صحیح است. **بند ۱**

بند ۱ بدن در طول روز فعالیت زیادی می‌کند، پس تعجیبی ندارد، اگر شب‌ها بخواهد استراحت کند. چون شما در حال رشد هستید، بیشتر از بزرگ‌ترها نیاز به استراحت دارید. سعی کنید هر شب، بین هشت تا ده ساعت بخوابید. وقتی می‌خواهید، ذهنتان هم استراحت می‌کند و برای روز بعد، آماده می‌شود.

بند ۲ سلامتی از نعمت‌های بزرگ خداوند است که برای حفظ آن، راه‌هایی وجود دارد. بیمارستان مکانی است که در آن، بیماری مردم را درمان می‌کنند. میوه‌هایی که خوب شسته نشده‌اند، باعث بیماری می‌شوند. کتابخانه مکانی است که آرامش دارد و در آن، سر و صدا نیست.

ب) اکنون با توجه به موضوع، یک بند بنویس.

انواع آلودگی صوتی

به عهده دانش آموز

جمله‌های یک بند باید در مورد یک موضوع باشند و با هم ارتباط داشته باشند. اگر این جمله‌ها با هم ارتباط نداشته باشند، «بند» تشکیل نمی‌شود؛ بلکه چند جمله‌ی پراکنده، ساخته شده است که به هم ربطی ندارند.



۱ دو متن زیر را بخوان و بگو این دو متن چه تفاوتی با هم دارند.

الف) هنگام اجرای مراسم صبحگاهی بود باران نم نم شروع به باریدن کرد بچه‌ها خوش حال شدند آقای ناظم گفت ورزش لازم نیست خیلی زود به کلاس بروید

ب) هنگام اجرای مراسم صبحگاهی بود. باران نم نم شروع به باریدن کرد. بچه‌ها خوش حال شدند. آقای ناظم گفت: «ورزش، لازم نیست خیلی زود به کلاس بروید.» همان طور که متوجه شدی متن «الف» نشانه‌های نگارشی ندارد. درک این نوع متن‌ها، سخت‌تر است و گاهی معنی آن‌ها به درستی دریافت نمی‌شود.

۲ چرا در پایان داستان ضرب‌المثل «هر چه کنی به خود کنی»، مرد فروشنده به فکر فرو رفت؟

چون فهمید که نتیجه‌ی کار بدش به خودش باز می‌گردد.

۳ متن زیر را بخوان و برای هر سؤال پاسخ مناسب بنویس.

روزی، روزگاری مردی کلاهی خرید؛ کلاهی که سال‌های سال آرزوی خریدن آن را داشت. او کلاه را بر سر گذاشت و بسیار خوش حال شد؛ اما خوش حالی او زیاد طول نکشید. روزی کنار جوی آبی نشست تا دست‌هایش را بشوید. آن وقت عکس خودش را در آب دید. چقدر کلاهش زیبا بود! برای اینکه بهتر کلاه را ببیند، سرش را پایین‌تر آورد؛ خم شدن در آب همان و از دست دادن کلاه همان.

الف) آیا آن مرد کم‌سن بود. از کجا فهمیدی؟

خیر. چون سال‌های سال آرزوی خریدن کلاه را داشت.

ب) چرا خوش حالی مرد زیاد طول نکشید؟

چون مراقب کلاهش نبود و آن را به خاطر بی‌توجهی خیلی زود از دست داد.

ج) مرد چگونه کلاهش را از دست داد؟

چون وقتی می‌خواست خودش را در آب ببیند سرش را خیلی پایین آورد

کلاهش در آب افتاد

